

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و دوم ، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

صفحات: ۷۱-۵۵

جستاری در باب رویکردهای انگیزشی مجرمانه با تاکید بر درجه بندی مجازات ها در نظام کیفری
نویسندگان:

دکترسیدمحمد رضا موسوی فرد^۱، سیروس مراد پور^۲، امیر اسماعیلی^۳، علی غفاریان مسلمی^۴، امیرسالار دریایی^۵

چکیده

انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، نیز انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد. گاه ممکن است انگیزه، نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی غرور و دلائل دیگری باشد که می‌تواند هریک نقش تعیین کننده در روند حقوق کیفری به جا گذارد. در این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی و بهره جستن از روش اسنادی کتابخانه‌ای در پی یافتن فهی از این سؤال هستیم که علی الاصول در حوزه حقوق کیفری و جرم شناسی در رویکردهای تخصیص مسئولیت کیفری به افراد و مضاف بر آن درجه بندی مجازات‌ها آیا انگیزه مجرمانه نقش دارید یا خیر؟ با معادلسازی آن به عنوان یکی از اکان متشکله جرم در قالب عنصر حداقل روانی در قالب سوءنیت عام می‌توان قلمداد می‌گردد. اصولاً تفکیک شناسی انگیزه‌های مجرمانه در جرائم خاص و گسترش مطالعه و تحقیق در این حوزه می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات حقوق کیفری و جرم شناسی کمک شایان توجهی نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کلید واژه ها : عنصر روانی، جرم، انگیزه مجرمانه، حقوق کیفری

۱ : استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان – mousavifard136394@gmail.com

۲ : دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان – s.moradpour65@gmail.com

۳ : دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه – amir.esmaeili435@gmail.com

۴ : کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان – ghafarian6394@gmail.com

۵ : کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان – amirsalarlaw1992@gmail.com

۱- مقدمه

انگیزه نقش پیچیده و ظریفی در حقوق کیفری در تعیین مقصر بودن و سرزنش متهم ایفا می‌کند. انگیزه متمایز از قصد یا *mens rea* است که به وضعیت روحی لازم برای مسئولیت کیفری اشاره دارد. *Mens rea* بر روی "چه چیزی" تمرکز می‌کند قصد متهم برای ارتکاب عمل مجرمانه. انگیزه، از سوی دیگر، «چرا» دلایل پشت اقدامات متهم را توضیح می‌دهد.^۱ در حالی که انگیزه مستقیماً گناه را تعیین نمی‌کند، می‌تواند به طور قابل توجهی بر مجازات تأثیر بگذارد. یک انگیزه مثبت، مانند اقدام از روی ناچاری یا اجبار، ممکن است منجر به اتهامات کمتر یا مجازات سبک‌تری شود. در مقابل، انگیزه بدخواهانه ناشی از طمع، نفرت یا ظلم می‌تواند منجر به اتهامات شدیدتر و مجازات شدیدتر شود. قوت انگیزه متهم نیز می‌تواند در داد و ستد دعوی نقش داشته باشد. یک انگیزه قانع‌کننده، مانند ارتکاب جرم برای محافظت از خانواده، ممکن است دادستان را متقاعد کند که اتهامات کمتری را ارائه دهد یا ملایمت توصیه‌شده در صدور حکم را ارائه دهد. در برخی از نظامهای حقوقی مدرن انگیزه می‌تواند درک هیئت منصفه از سرزنش متهم را شکل دهد. یک انگیزه قوی و دلسوزانه ممکن است باعث همدلی بیشتر هیئت منصفه شود، در حالی که یک انگیزه ضعیف یا بدخواهانه می‌تواند متهم را مقصرتر جلوه دهد. در حالی که انگیزه عنصر لازم برای احراز گناه نیست، اما همچنان عامل مهمی در حقوق کیفری است. انگیزه می‌تواند زمینه را فراهم کند، ادراک عمومی را شکل دهد، و بر صدور حکم و توافقی‌نامه‌ها تأثیر بگذارد. با این حال، نقش انگیزه در مسئولیت کیفری همچنان موضوعی پیچیده و مورد بحث در فلسفه حقوقی است. در مواردی که انگیزه مجرمانه خاصی وجود دارد، می‌تواند بر شدت مجازات تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، انگیزه‌های شرافت‌مندانه ممکن است به عنوان عوامل مخففه در نظر گرفته شوند بررسی انگیزه‌های مجرمانه در مسئولیت کیفری نشان می‌دهد که این موضوع به شدت تحت تأثیر دیدگاه‌های مختلف حقوقی و اجتماعی است. هر چند که اصل کلی بر عدم تأثیر انگیزه است، اما استثنائات و شرایط خاصی وجود دارد که می‌تواند تأثیر انگیزه را در مسئولیت کیفری و تعیین مجازات تغییر دهد. در برخی موارد، وجود انگیزه‌های خاص می‌تواند به کلی مسئولیت کیفری را زایل کند. به عنوان مثال، اگر فرد تحت تأثیر شرایط خاصی قرار گیرد که باعث ارتکاب جرم شود، ممکن است از مسئولیت معاف شود. در این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی و بهره جستن از روش اسنادی کتابخانه‌ای در پی یافتن فهی از این سؤال هستیم که علی‌الاصول در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی در رویکردهای تخصیص مسئولیت کیفری به افراد و مضاف بر آن درجه بندی مجازات‌ها آیا انگیزه

۱. در بخش مبانی نظری توضیحات مختصری ارائه خواهد شد.

مجرمانه نقش دارید یا خیر؟ با معادلسازی آن به عنوان یکی از ازکان متشکله جرم در قالب عنصر حداقل روانی در قالب سوءنیت عام می‌توان قلمداد می‌گردد.

۲- مبانی نظری

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانونگذار به تنهایی کافی نیست. فعل یا ترک فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد، به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. ارتکاب جرم تظاهر نیت سوء و یا خطای مجرم است، مشروط بر اینکه فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد. در این صورت می‌گوییم فاعل یا در ارتکاب فعل عمد داشته و یا خطا کرده است. آنچه تقصیر در معنی عام نامیده می‌شود یا بر پایه عمد و یا مبتنی بر خطا است. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۳۴۰)

مسئولیت کیفری و استحقاق تحمل مجازات، بر مبنای سوء نیت و قصد مجرمانه و در واقع، غلظت عنصر روانی تعیین می‌گردد؛ از سویی، عنصر روانی به معنای دقیق کلمه چیزی نیست مگر فعل و انفعالات ذهنی مرتکب و تعلق آگاهانه اراده او به ارتکاب رفتاری معارض با ارزشهای کیفری اجتماع که البته، با توجه به اصل بنیادین قانونی بودن امر جزایی، باید از پیش تقنین شده باشند. تحقق عنصر روانی در جرم مادی صرف منحصر و موقوف به تحقق اراده ارتکاب بوده و برای مجازات مرتکب آن کافی است که وی میل و اراده خود را برای انجام عمل مجرمانه به کار گیرد و آن را اجرا کند در حقوق جزا “قصد مجرمانه” را به میل و خواستن قطعی به انجام یا ترک عملی می‌دانند که قانون آن را نهی کرده است و در موارد مختلفی از قانون مجازات قصد مجرمانه شمول پیدا می‌کند به عمد، اراده‌ی سوءنیت، سوء قصد، لذا سوءنیت در جرائم غیر عمدی قابل تصور نمی‌باشد. سوءنیت خاص از اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم است. در حقوق جزای ایران اصولاً انگیزه تأثیری در تحقق جرم و نوع مجازات‌ها ندارد، لیکن این اصل کلی در مواردی خاص و برای اجرای هرچه بهتر عدالت و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی با استثنائاتی مواجه شده است، به طوری که قانونگذار در مواردی انگیزه شخص را در ارتکاب فعل مجرمانه مستقیم و یا غیرمستقیم در احراز مجرمیت و مسئولیت کیفری دخیل دانسته است. مستقیم از این جهت که در برخی موارد خاص و استثنایی خود قانونگذار صراحتاً توجه به انگیزه و اهمیت آن را در تحقق جرم و یا تعیین مجازات، تأکید نموده است و غیرمستقیم از این جهت که امروزه قضات، علی‌الاصول در چارچوب قانون و به تجویز قانونگذار اختیار کافی جهت تطبیق مجازات با شخصیت مجرمین و از جمله انگیزه مرتکبین در ارتکاب جرم را دارند. سوءنیت خاص یا قصد نتیجه به غایت بلاواسطه

رفتار مرتکب نظر دارد، گاهی مقنن برای تحقق جرم نتیجه‌ای را ملاک و معتبر می‌داند فرضاً در بزه قتل، ازهاق نفس (کشتن) را شرط لازم می‌داند، انگیزه و سوءنیت عام از این جهت که عنصر معنوی می‌باشند شبیه یکدیگر هستند، اما تفاوت‌هایی با هم دارند؛ زیرا قصد مجرمانه رکنی از ارکان سه گانه جرم است اما انگیزه خارج از ارکان جرم می‌باشد و در مقام رسیدگی به جرائم باید دقت فراوان مبذول داشت.

۳- پیشینه پژوهشی:

- مقاله با موضوع: نقش انگیزه در ارتکاب جرم از منظر حقوق کیفری ایران و غرب به قلم حاجی ده آبادی و دیگران که به سال ۱۳۹۷ در مجموعه مقالات کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: با مطالعه سیر تحولات حقوق کیفری کشورها به این جمع بندی می‌رسیم که در ابتدا، رکن روانی جرم مورد توجه نبوده است ولی در ادامه سیر تحول حقوق کیفری، رکن روانی کم کم جایگاه خویش را پیدا نمود و بر اساس آن بعضی از مرتکبین بدون مجازات و بدون تقصیر شناخته شدند و جرائم را به عمد و غیر عمد تقسیم نمودند و بعدها به این نتیجه رسیدند که به غیر از رکن روانی، انگیزه متهم نیز در تحقق جرم و تعیین مجازات برای اجرای هرچه بیشتر عدالت قضایی باید تاثیرگذار باشد.

- مقاله با موضوع: نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران به قلم قلی زاده سلطان آبادی که به سال ۱۴۰۰ در رهیافت پیشگیری از جرم به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: یکی از عناصر لازم برای تحقق جرم عنصر معنوی است یعنی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب که دارای اجزائی از قبیل علم به حکم و موضوع؛ سوء نیت عام و سوء نیت خاص؛ و انگیزه است. انگیزه که گاهی از آن به داعی، باعث و غرض تعبیر می‌شود عبارت است از عوامل درونی مانند حسد، عشق، انتقام، لذت طلبی، شهرت طلبی، عدالت خواهی و... که هدف نهایی از ارتکاب جرم است و مرتکب را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. در واقع می‌توان گفت انگیزه عامل حرکت و انجام کار است.

- مقاله با موضوع: نقش انگیزه و داعی در ارتکاب جرائم در حقوق جزایی ایران به قلم روزبهرانی که به سال ۱۴۰۲ در فصلنامه قانون یار به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: در حقوق جزا اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع میزان مجازات هیچ تاثیری ندارد و این به جهت دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است. به دلیل اهمیت بالای موضوع در این پژوهش قصد داریم به پردازیم.

- مقاله با موضوع: مسئولیت کیفری کاهش یافته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به قلم زهرا احمدیان که به سال ۱۳۹۹ در فصلنامه علمی خانواده در حقوق بین الملل به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: در نظام‌های عدالت کیفری، با کمک گرفتن از مفهوم حقوقی مسئولیت کاهش یافته در تلاش هستند تا چرایی و چگونگی رفتار دسته‌ای از بزهکاران را که مبتلا به نوعی ناهنجاری در عملکرد روانی هستند تبیین کنند، حال آنکه به جرات می‌توان این فرضیه را طرح کرد که مسئولیت کاهش یافته جایگاهی اساسی و قابل طرح در گفتمان قضایی حقوق ایران ندارد و مسئولیت کیفری در دو وضعیت کامل یا عدم مسئولیت مطرح شده است.

- بالاخره چندین منبع دیگر که به موضوع اشاره دارد جهت رعایت اختصار صرفنظر گردید.

۴- مفهوم مسئولیت کیفری

از منظر قانون می‌توان گفت افرادی که دارای توانایی‌هایی نظیر فهم، درک، اختیار و بلوغ هستند، اشخاص دارای مسئولیت کیفری به حساب می‌آیند. اما در مقابل افرادی که چنین توانایی‌هایی ندارند، مثلاً هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، مسئولیت کیفری ندارند و از مجازات معاف هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که قانون برای این که بتوان یک فرد را به خاطر انجام جرم مجازات کرد، شروطی قائل است و طبق آن فرد باید هنگام انجام جرم، عاقل، بالغ و دارای اختیار باشد. مثلاً فرد دیوانه را نمی‌توان برای انجام جنایت مانند فرد عاقل مجازات کرد. البته در این حالت جرم اتفاق افتاده اما به یکی از دلایل رفع‌کننده مسئولیت، مانند کم بودن سن یا جنون، مسئولیت کیفری از مجرم رفع خواهد شد. در صورتیکه فردی مرتکب عملی برخلاف قانون شود، خود شخص مسئول عمل مجرمانه‌اش خواهد بود و نه شخص دیگری؛ به همین خاطر با هدف برقراری عدالت، شخص مجرم می‌بایست مجازات شود. به بیان دیگر، منظور از مسئولیت کیفری، آثار و نتایجی است که متوجه خود شخص خطاکار از انجام عمل مجرمانه می‌شود. بنابراین مجرمانی که از قدرت فهم و درک برخوردار هستند و به سن بلوغ رسیده‌اند، دارای مسئولیت کیفری می‌باشند. مطابق با قانون می‌توان گفت که هدف از انجام مسئولیت کیفری و شرایط اعمال آن برای افراد جامعه، در نظر گرفتن مجازات برای مجرمان است. این موضوع با هدف: دفاع از جان و مال افراد جامعه، ایجاد نظم، اصلاح و تربیت مجرمان و متجاوزان قانون، عبرت گرفتن اشخاص دیگر از انجام جرم و جبران خسارات عمومی و شخصی، تعریف شده است. در حقوق کیفری نیز وجود گزاره جرم‌انگار، ارتکاب رفتار مجرمانه و احراز سوءنیت شرط تحقق مسوولیت کیفری است. (محسنی، ۱۳۹۸، ص ۳۵۳)

حقوق کیفری مدرن بر پایه‌ی چهار اصل مهم استوار گردیده است که عبارت‌اند از: اصل قانون‌مندی، اصل لزوم ارتکاب رفتار، اصل تقصیر و اصل شخصی‌بودن مسئولیت کیفری. در واقع،

این اصول با هدف تحقق بهتر عدالت در قلمرو حقوق کیفری به وجود آمده‌اند. به موجب اصل اخیر، هر کس فقط به خاطر رفتاری که شخصاً مرتکب شده است مسئول است و هیچ کس را نمی‌توان به خاطر رفتار دیگری دارای مسئولیت کیفری دانست. با این همه، مقوله‌ی جدیدی تحت عنوان «مسئولیت کیفری فعل غیر» در حقوق کیفری مدرن مطرح شده است که به نظر می‌رسد با اصل اخیر زاویه دارد. برخی از حقوقدانان با این استدلال که مقوله‌ی مذکور استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است سعی کرده‌اند از آن دفاع نمایند. مبنای این اظهار نظر آن است که ایشان در شناخت مفهوم «مسئولیت کیفری فعل غیر» دچار اشتباه شده‌اند. (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۳)

در مورد شرایط مسئولیت کیفری افرادی که مشمول مسئولیت کیفری و شرایط آن می‌باشند، می‌توان به دو دسته حقوقی و حقیقی اشاره کرد. منظور از مسئولیت حقیقی انسان است. یعنی این گونه مسئولیت‌ها تنها برای انسان اعمال می‌شوند و مسئولیت حقوقی نیز به شرکت‌ها و مؤسسات و ادارات مربوط می‌شود. از مصادیق اعمال مجازات اشخاص حقوقی می‌توان به: انحلال دائم یا موقت، مصادره اموال و محرومیت از یک یا چند عمل به شکل دائم یا موقت اشاره کرد. مطابق با قانون، جریمه نقدی برای اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مجازاتی است که برای شخص حقیقی در همان جرم تعریف شده است. به همین خاطر در نظر داشته باشید در مواردی اشخاص حقوقی مجرم شناخته شده و می‌بایست مسئولیت عواقب کار مجرمانه خود را بپذیرند. البته هنگامی که قائم مقام و یا نماینده قانونی شخص با استفاده از نام و اعتبار وی مرتکب عمل خلاف قانون شده باشد، شخص حقیقی از مجازات تبرئه نشده و علاوه بر شخص حقوقی نماینده قانونی وی نیز در برابر عمل انجام گرفته مجازات خواهد شد. قانون‌گذار در جهت شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی و خصوصی، از میان دو نظریه‌ای که در این راستا در نظام‌های مختلف حقوقی شناسایی شده (نظریه مسئولیت مافوق یا کارفرما و نظریه مغز متفکر)، نظریه دوم که محدودتر محسوب می‌شود را پذیرفته است. البته محکومیت اشخاص حقوقی به دیه از این قاعده مستثناست و نظریه اول در مورد آن پذیرفته شده است. (موسوی مجاب، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷)

۵- عنصر روانی در جرم

عنصر روانی جرم از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و به معنای این است کسی که قصد ارتکاب جرم را دارد زمانی فعل او، جرم به شمار آید که باید با علم، اراده و اختیار ارتکاب شود؛ در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا ارادی موجود باشد. برای آنکه بتوان جرمی را منتسب به

فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد علاوه بر عنصر قانونی، مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم، شامل وقوع عمل در خارج، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد؛ در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی (یا رابطه ارادی) موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی (یا روانی یا معنوی) می‌نامند. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹)

عنصر روانی در جرم را می‌توان معادل رویکرد ارادی بر انجام جرم دانست اراده در لغت عبارت است از خواستن، طلب کردن، قصد و آهنگ و عزم (عمید، بی تا، ص ۱۰۰) و اراده ارتکاب جرم عبارت است از خواستن انجام عمل مجرمانه؛ (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳) بنابراین اگر شخصی بداند که مالی متعلق به غیر است ولی آن را بردارد مرتکب جرم شده است. بحث درباره آزاد بودن یا مجبور بودن انسان در انجام اعمال و رفتار از جمله مسائلی است که از دیرباز ذهن کنجکاو بشر را به خود مشغول کرده است. برخی از اندیشمندان و صاحبان مکاتب مثل طرفداران مکتب تحقیقی و اثباتی اعتقاد به عدم آزادی اراده انسان دارند و برخی دیگر مثل طرفداران مکتب کلاسیک آن را آزاد می‌دانند؛ اما نظر صحیح‌تر که فقه تشیع نیز بر مبنای روایتی از ائمه آن را پذیرفته است نظریه بینابین است. باید توجه داشت که در کلیه جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی اراده ارتکاب جرم وجود دارد و قانون‌گذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند. بنابراین حتی در صدمات بدنی ناشی از حوادث رانندگی و مستی نیز شخص مرتکب واجد اراده بوده و با وجود همین اراده است که راننده اتومبیل را به راه‌انداخته است. در واقع رانند اتومبیل مورد اراده و خواست راننده است و فقط نتیجه آن که صدمات بدنی بوده، مورد نظر و مقصود راننده نبوده است. در صورت فقدان اراده ارتکاب فعل، تحقق جرم منتفی است. (نگاه کنید به: گلدوزیان، پیشین، ص ۱۷۹) در خصوص عنصر روانی جرائم غیر عمدی در کلیه جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانونگذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند گاهی فرد هم در فعل ارتكابی اراده داشته و هم در نتیجه عمل ارتكابی اراده داشته و با توجه به نتیجه مجرمانه مرتکب جرم می‌گردد که جرائم عمدی محسوب می‌شود و زمانی فرد فقط ارتکاب فعل را اراده نموده و نتایج حاصله از آن منظور نظر وی نمی‌باشد که خطای جزایی مطرح می‌گردد و جرائم غیر عمدی محسوب می‌شود، چرا که مسئولیت وی به این لحاظ است که در پیش بینی عواقب عمل خود غفلت کرده و خطا کار محسوب و مستوجب کیفر است. در واقع عنصر روانی در جرائم غیر عمدی^۱ خطایی جزایی بوده، ولی شرط اساسی در این قبل جرائم احراز وجود رابطه علیت میان واقعه (مثلاً قتل یا جرح) و خطای مرتکب (بی احتیاطی و عدم مهارت و غیره) می‌باشد. (کاووسی، ۱۳۹۴، ص ۱) جرم پایه‌ای‌ترین و اولین رکن از ارکان چهارگانه (جرم، مجرم، ضمانت اجرا و زیان‌دیده) حقوق کیفری

است و مبین نگاه اکثریتی به ارزش‌هایی است که به دلیل اعتبار و اهمیت بسیار، نقض آن‌ها نامطلوب و ناهنجار و مستوجب مجازات و واکنش اجتماعی دانسته شده است. در همه قوانین ملی و بین‌المللی، مهم‌ترین تکلیف جرم‌انگاران، تعریف جرم به نحوی است که دربردارنده اجزاء و ارکان متشکله آن به صورت جامع و مانع باشد. رصد سطحی مقررات کیفری ایران از تاریخ مشروطه تا حال حاضر نیز موید این تکلیف است؛ زیرا اولین تلاش قانون‌گذاران کیفری^۱ نظام‌های مبتنی بر حقوق نوشته، معطوف بر تعریف جرم به صورت کلی و عمومی است. در بررسی تعاریف متعدد و متنوع ارائه‌شده از جرم در همه جای جهان، «رفتار» و «قانون یا همان بیان رسمی» وجه مشترک بوده، اما رکن سوم متعارفی (عنصر روانی یا رکن معنوی) که به عنوان یکی از اجزای اصلی جرم در کتب متعدد حقوق کیفری مورد اشاره قرار گرفته، در تعاریف، آگاهانه یا مسامحتاً مفقود است. لذا این ابهام اساسی قابل طرح است که بالاخره جرم دو عنصر (قانونی و مادی) دارد یا واجد سه عنصر (قانونی، مادی و معنوی) است. از طرف دیگر، رابطه میان رکن روانی و مسئولیت کیفری^۲ در تبیین و تعریف جرم کجاست؟ آیا مسئولیت کیفری همان عنصر روانی است یا مسئولیت کیفری فرع بر مجرمیت بوده و اصولاً مرحله بعد از ارتکاب جرم خواهد بود. (جعفری، ۱۴۰۱، ص ۳۳)

۶- انگیزه از نظر روانشناسی

انگیزه عبارت از یک عامل طبیعی است که جریان عملی را در موجود زنده دارای دستگاه حسی ایجاد می‌کند و مخصوصاً به پدیدارهای طبیعی‌یی گفته می‌شود که در حواس تأثیر می‌گذارند. کار انگیزه عموماً ایجاد آگاهی است، مانند تحریکی که در اعصاب ایجاد می‌شود. سنجش شعور و آگاهی در این حالت به سنجش عوامل طبیعی آگاهی از قبیل صدا، نور، فشار و... بازمی‌گردد. آگاهی به معنی خاص، به مجموع پدیدارهای طبیعی و فیزیولوژیکی ضروری برای ایجاد و احساس انگیزه گفته می‌شود و شامل سه بخش است:

تأثیر در اعصاب؛

انتقال این تأثیر به مغز؛

عمل ذهنی مقارن ظهور احساس در نفس. انگیزه مترادف مؤثر و محرّض است. (صلیب، ۱۳۶۶، ۶۱۵)

1. Criminal Lawmakers

2. Criminal Liability

انگیزه یک روند درونی است. چه آن را محرک و چه یک نیاز تعریف کنیم، انگیزه شرایطی است که در درون ماست و خواهان تغییر است، چه در خود و چه در محیط. هنگامی که ما به این چاه انرژی می‌پردازیم، انگیزه فرد را به حرکت و جهت مورد نیاز خود برای تعامل با محیط در یک روش تطبیقی، باز و حل مسئله‌ای درگیر می‌کند. جوهر انگیزه رفتار هدفمند و پرنرژی است. وقتی انگیزه داریم حرکت و اقدام می‌کنیم. انگیزه تحت تأثیر ارضای نیازهایی است که یا برای حفظ زندگی ضروری است یا برای رفاه و رشد. نیازهای فیزیولوژیکی برای غذا، آب و رابطه جنسی و برای حفظ زندگی به ارگانیسم و همچنین رضایت از انجام این کار کمک می‌کند. نیازهای روانشناختی برای استقلال، تسلط و تعلق، رفتار ما را به همان شیوه هدایت می‌کند. همانطور که نیازهای موفقیت، قدرت، رستگاری، معنا و عزت نفس نیز این کار را انجام می‌دهند. بعضی از این نیازها همانند تمام فعالیت‌های درونی که درگیرش هستیم، به محرک تبدیل می‌شوند. محیط و بستر اجتماعی ما از نظر انگیزه بیرونی نقش بسزایی خواهد داشت. ما همچنین با اهداف، ارزش‌ها و خواسته‌ها انگیزه خواهیم گرفت تا احساسات خاصی را در ارتباط با برخی حالت‌های نهایی تجربه کنیم. بهترین روش برای توضیح انگیزه نشان دادن آن به شکلی است که در زندگی روزمره به نظر می‌رسد.^۱

اگر بخواهیم انگیزه را در برخی وصف‌های مجرمانه تشریح کنیم می‌توان گفت: یکی از مسائل بسیار مهم در حقوق کیفری، بحث راجع به عنصر روانی مرتکب عمل مجرمانه است. مقرراتی که در باب جرائم با مسئولیت مطلق در چند دهه اخیر وضع شده است، لزوم وجود عنصر روانی را تحت‌الشعاع عنصر مادی قرار داده است. اینجا به بررسی تطبیقی قوانین وضع‌شده در حوزه جرائم با مسئولیت مطلق و همچنین نظرات حقوق‌دانان در این زمینه و نیز بررسی جرائم علیه محیط‌زیست و نوع مسئولیت مرتکب پرداخته شده است؛ بنابراین، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا جرائم با مسئولیت مطلق نیز دارای عنصر روانی هستند و فقط نیاز به اثبات ندارند یا اینکه این‌گونه جرائم اصولاً با سایر جرائم در بحث از عنصر روانی متفاوتند و فاقد عنصر روانی برای مسئولیت مرتکب‌اند و تنها با وجود عنصر قانونی و مادی ارتکاب می‌یابند؟ از طرفی جرائم محیط‌زیست نیز شامل این قاعده می‌گردد یا خیر و همچنین مسئولیت مرتکب در این‌گونه جرائم بر چه اساسی است؟ نتیجه نشان می‌دهد که جرائم با مسئولیت مطلق نیز دارای عنصر روانی هستند و فقط نیاز به اثبات ندارند؛ بنابراین، این جرائم نیز همچون دیگر جرائم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی برخوردار می‌باشند. از طرفی جرائم محیط‌زیستی نیز به‌صورت عمدی و در برخی موارد، به شکل غیرعمدی

ارتکاب می‌یابند که باتوجه به اهمیت این حوزه، باید برای مرتکب مسئولیت مطلق در نظر گرفت. (رستگار مهجن آبادی، ۱۳۹۹، ص ۷۱)

۷- انگیزه و نیت مجرمانه

انگیزه ارتکاب جرم از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و به سبب، داعی، علت، کوشش درونی و میل پنهانی فرد که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند، می‌پردازد. انگیزه در معنا به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند، است. انگیزه تأثیری در تحقق جرم ندارد و وجود قصد و سوءنیت به عنوان عنصر معنوی جرم بدون تأثیر انگیزه در آن برای تحقق جرم کافی است، اما با این همه عدم تأثیر انگیزه در جرم، مطلق نیست. نقش انگیزه در اعمال مجازات در تعیین میزان مجازات، اعمال کیفیت مخففه و تعلیق مجازات است. انگیزه در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است و در اصطلاح به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند، انگیزه گویند. اصطلاحات قصد و انگیزه در حقوق جزا شبیه مفاهیم علت و جهت در حقوق مدنی می‌باشند، همانطور که از «جهت» به امری تعبیر شده که معامله‌کننده برای رسیدن به آن معامله را انجام می‌دهد، در حقوق جزا نیز به کوشش درونی و میل پنهانی فرد، که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند انگیزه گویند. در حقوق کیفری از انگیزه به «سبب»، «علت» و «داعی» نیز تعبیر شده است. (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰)

در رابطه با سوء نیت و انگیزه دو طرز تفکر ارائه شده است: اولاً: دانشمندان مکتب کلاسیک، معتقدند که انگیزه نباید تأثیری در زوال مسئولیت داشته باشد و آنان عقیده دارند آنچه در تحقق جرم واجد اهمیت است همان عمد و اراده مجرمانه است. و در واقع در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب است. ثانیاً: طرفداران مکتب تحقیقی معتقدند آن چه برای جامعه و نظم آن خطر دارد همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی، و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت است، لذا منطقاً نباید در تحقق جرم از آن چشم پوشید. در مواردی با آن که ارکان سه گانه جرم محقق است ولی انگیزه باعث می‌گردد که وصف مجرمانه از عمل گرفته شود و یا به عملی وصف مجرمانه داده شود. در شرع انور و قانون موضوعه در باب علل موجهه جرم، موارد عدیده‌ای دیده می‌شود. در خصوص کشور ایران می‌توان چنین گفت مقنن ایران نیز با بهره‌گیری از دو نظام فکری اسلام و اندیشه‌های کیفری غرب، انگیزه را در مواردی در تحقق جرم و میزان مجازات مؤثر تلقی نموده است. مسئله قابل توجه آن است که عمد را نباید با انگیزه و غرض اشتباه نمود. انگیزه عبارت است از کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌نماید و بنابراین همیشه مقدم بر اراده است. قصد مجرمانه حاکی از اراده ارتکاب

در فعل یا ترک فعل و همین طور اراده در کسب نتیجه زائیده ذهن قانون گذار است بنابراین قصد مجرمانه (اعم از عام و خاص) را باید در قانون جزا جستجو کرد و لذا در هر جرمی، مفهومی واحد یا ثابت دارد. مثلاً سوء نیت عام در کلیه قتل‌های عمدی ازهاق نفس است. ولی انگیزه یا داعی، احساس یا نفع یا دفع ضرری است که بزهکار را به طرف ارتکاب جرم می‌کشاند. انگیزه زائیده ذهن مجرم است، پس انگیزه را باید درون مجرم جستجو کرد و اغلب به صورت خودآگاه می‌باشد. هیچ انسان عاقلی بدون هدف خاص و بدون انگیزه و غرض معین، به ارتکاب هیچ عملی، خاصه ارتکاب جرم مبادرت نمی‌نماید. انگیزه تقویت افراد برای دست یابی به سطوح بالای عملکرد و غلبه بر موانع برای تغییر می‌باشد. انگیزه، عامل کنترل کننده راهنمایی، کنترل و پایداری در رفتار انسانی است. (نک به مرادی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۱-۲)

انسان در ارتکاب جرم انگیزه خاص و مشخصی دارد. انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، هم انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد، گاه ممکن است نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی و غرور باشد. قانونگذار جزایی در ایران، انگیزه ارتکاب جرم را علی‌الاصول در ماهیت فعل مجرمانه بی‌تأثیر دانسته است. بنابراین منظور نهایی یا هدف نهایی یا انگیزه فاعل در ارتکاب فعل هر چه باشد تاثیری در تصمیم و ارتکاب جرم توسط مرتکب ندارد. در قوانین جزایی، گاهی دیده می‌شود که قانون گذار برای ارتکاب یک جرم، داشتن قصد خاصی را لازم دانسته اما در متن قانون به ذکر واژه «قصد» یا امثال آن بسنده نموده است. مثلاً در ماده ۵۱۱ ق. م. ا. ت. مقرر شده است: «هر کس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویق اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید... به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.» همین مسئله موجب بروز اختلاف بین حقوق دانان شده است که منظور از «قصد» به کار رفته در چنین موادی، سوءنیت خاص است یا انگیزه؟ این مسئله می‌تواند در مجرم شناخته شدن یا نشدن یک متهم اثر حیاتی داشته باشد. در این نوشتار با ارائه معیاری نوین و کاربردی چنین نتیجه گرفته شده که «قصد» به کار رفته در این مواد در واقع همان انگیزه است. (بلبلی، ۱۴۰۰، ص ۱)

۸- درجه بندی مجازات‌ها

مجازات تعزیری مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. مجازات‌های تعزیری در یک تقسیم بندی به هشت درجه طبقه بندی می‌شوند. درجه اول شدیدترین و درجه هشتم خفیف‌ترین میزان مجازات تعزیری را دارد. قانونگذار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی

مجازات تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرده است. درجه بندی مجازات تعزیری در قانون مجازات به چند دلیل صورت گرفته است. اولاً اینکه قاضی نمی‌تواند در مجازات حدی و مجازات‌های نوشته شده در قانون تغییر و تبدیل و تخفیف ایجاد کند، در نتیجه در این دسته از مجازات‌ها امکان درجه بندی وجود ندارد، به همین دلیل با در نظر گرفتن مجازات‌های تعزیری و درجه بندی آنها قاضی می‌تواند مجازات را تبدیل کند و تغییر دهد. ضمن اینکه مجازات‌های درجه بندی شده تعزیری با توجه به شدت و حدت جرم تعیین می‌شوند. درجه بندی کردن مجازات تعزیری باعث می‌شود که مجازات‌ها به صورت فردی و متناسب با شخصیت مجرم و شرایط جرم تعیین شود. به این ترتیب درجه بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی روش مناسبی برای تعیین درست مجازات است. مجازات‌های تعزیری بر حسب نوع جرم ارتكابی، توسط قاضی پرونده تعیین می‌شوند. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتكاب جرم، شیوه ارتكاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتكاب جرم و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی از موارد مهم در تعیین مجازات تعزیری برای مرتکب می‌باشد. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، تحولات گسترده‌ای در سیستم تعیین اعمال کیفرها، به ویژه در تعزیرات به وجود آمد. قانون یادشده ضمن حفظ تقسیم بندی شرعی مجازات‌ها، تعزیرات را به هشت درجه تقسیم کرده است. درجه بندی کیفرها در نظام‌های حقوقی امری معمول و دارای آثار ماهوی و شکلی است و نقش انکارناپذیری در ضابطه مند کردن اعمال واکنش‌ها و نحوه‌ی به کارگیری تأسیس‌های حقوقی مقرر در قانون دارد. ولی پرسش این است که مبنای درجه بندی هشت گانه در قانون یادشده چیست؟ اجرا و اعمال این درجه بندی چه آثار و تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟ هدف نوشتار حاضر بررسی خلأها و آسیب‌های وارده بر درجات هشت گانه ی کیفرها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن است که قانون گذار در خصوص درجه بندی کیفرهای تعزیری از مبنای خاص و معقولی پیروی نکرده است و اختصاص آن به تعزیرات هم مبنایی ندارد و نبود مبنا موجب آثار منفی از جمله عدم تشخیص مجازات شدید از خفیف، نقض حقوق مکتسبه‌ی متهم، و تناقض با سیاست‌های کلی نظام قضایی شده است و از طرفی، درجه بندی هشت گانه ی کیفرها بر برخی تأسیس‌های حقوقی اثر منفی داشته و ماهیت حقوقی آن نهادها را متزلزل کرده است. لذا درجه بندی سه گانه ی تمام کیفرها می‌تواند ایرادات موجود را مرتفع سازد. (پورقهرمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱)

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که آثار مثبتی در نظام تقنینی به دنبال داشته است، ایجاد نظام درجه بندی مجازات‌های تعزیری است. از جمله این آثار مثبت می‌توان به آسان‌تر شدن اعمال اصل تناسب میان جرائم و مجازات‌ها، هماهنگ سازی پاسخ‌های کیفری و تسهیل پیاده سازی سیاست فردی کردن مجازات‌ها اشاره کرد. در کنار این محاسن، ایرادهایی نیز

در نظام درجه بندی مجازات‌ها^۱ وجود دارد. این مقاله پس از بررسی اجمالی نظام دسته بندی جرائم در قوانین برخی کشورها و مطالعه تاریخچه این موضوع در نظام قانونگذاری ایران، با روش تحلیل محتوا، محاسن و ایرادهای نظام قانونگذاری در این رابطه را بررسی کرده و پیشنهادهایی برای رفع آنها ارائه می‌کند. ایرادهایی عبارت‌اند از جامع و مانع نبودن درجات تعزیر، ابهام در تشخیص درجه برخی از جرائم، غیرمنطقی و خلاف قانون بودن ملاک تعیین تعزیر در رویه قضایی، روشن نبودن ملاک تعیین مجازات اشد میان جرائم متعدد دارای مجازات‌های متعدد، نامتوازن بودن فواصل میان حداقل و حداکثر مجازات‌های داخل در یک درجه، نامتوازن بودن مجازات‌های داخل در یک درجه و عدم کاربرد یا استفاده نادرست از نظام درجه بندی تعزیرات در قوانین دیگر. راهکارهای ارائه شده نیز عبارت‌اند از پیشنهاد احصای تمامی مصادیق تعزیر در ماده (۱۹)، و خارج کردن مجازات‌های غیرتعزیری از شمول این ماده، تصریح به شمول جزای نقدی نسبی در درجات هشتگانه تعزیر، پیشنهاد اصلاح^۲ تبصره «۳» ماده (۱۹)، ارائه فرمولی روشن برای تشخیص مجازات اشد^۳ در جرم واحد و همچنین در جرائم متعدد، پیشنهاد معیاری واحد و متوازن، جهت اصلاح مجازات‌های داخل در یک درجه و استفاده صحیح از نظام درجه بندی در سایر قوانین است. (جهت مطالعه نک به: بهرمند، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱)

۹- نقش انگیزه در تعیین درجه مجازات

از جمله مباحث مهم حقوق کیفری بررسی نقش انگیزه در وقوع جرم و مسوولیت کیفری و مجازات است. انگیزه که گاه از آن به عنوان غرض یا هدف خاص ارتکاب جرم یاد می‌شود نقش موتور محرکه رفتار مجرمانه را اجرا می‌کند براساس نتایج حاصل از تحقیق، در حقوق جزا، اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع و میزان مجازات هیچ تاثیری ندارد و این به دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است. اما براین اصل، استثنایاتی وارد است. کثرت اندیشه‌های فردگرایانه اخیر، خواه ناخواه مقننین رابه سوی تشریع و تقنین قوانین و مقرراتی منطبق با تفکرات نو و خواسته اجتماع هدایت نموده و سیاست جنایی رادرطریقی که متضمن عنایت کامل به شخصیت مجرمین و البته بیشتر میل به هدف ذهنی مجازات، یعنی اجرای عدالت باشد، سوق داده است. درنتیجه این اندیشه‌های جدید در رابطه با سوءنیت و انگیزه دو طرز تفکر ارائه شده است: دانشمندان مکتب کلاسیک معتقدند که انگیزه نباید تاثیری در زوال مسیولیت

1. The Punishment Rating System

2. Reform Proposal

3. The Punishment is Severe

داشته باشد در واقع در تعیین مسیولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتكب. برعكس طرفداران مكتب تحقیقی، معتقدند آنچه برای جامعه و نظم آن خطر دارد، همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی. و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت است، لذا منطقاً نباید در تحقق جرم از آن چشم پوشید. طبق اصل کلی هر چند انگیزه در تحقق جرم تأثیر ندارد، اما در مواردی با وصف آن که ارکان سه گانه جرم محقق است، ولی انگیزه باعث می گردد که وصف مجرمانه از عمل گرفته شود و یا به عملی وصف مجرمانه داده شود. (حاجی ده آبادی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱)

تطبیق مجازات با شخصیت واقعی و حقیقی مجرمین، یکی از هدف های پیشرفته حقوق جزا می باشد، که باتشکیل پرونده شخصیت که از پیشنهاد های مكتب دفاع اجتماعی نوین است عمل اثر انگیزه در ارتكاب جرم و میزان مجازات بررسی می گردد. تأثیر انگیزه در حقوق جزا، از یک طرف ریشه در اخلاق و وجدان جمعی دارد؛ چرا که ارزش اخلاقی همه اعمال انسانی، کاملاً به انگیزه های بستگی دارد که از ابتدا موجود بوده اند و این چنین می باشد که انگیزه ها از نقطه نظر فردی و درونی به عنوان یک معیار برای ارزش اخلاقی عمل یا اهمیت آن محسوب می شوند. وجدان جمعی و افکار عمومی نیز قائل به تفکیک بین انگیزه های شریف و پست هستند و خواستار تشدید مجازات نسبت به مجرمانی که دارای انگیزه های پست و زندهای هستند، می باشد و با مجرمانی که دارای انگیزه های نیکو و شرافتمندانه ای بوده اند، احساس همدردی نموده، خواستار بخشش و گذشت و یا تخفیف و تعدیل مجازات نسبت به آنها هستند و از طرف دیگر، تحت تأثیر و نفوذ جرم شناسی است که در حقوق کیفری جهت تعیین مسیولیت بزهکار، به شناسایی شخصیت مجرم توجه خاصی مبذول می شود؛ چرا که جدایی شخصیت انسان از اعمالش به هیچ وجه صحیح نیست انگیزه که جزیی از شخصیت فرد را تشکیل می دهد، در ارتكاب عمل مجرمانه نقش موثری دارد. بدین ترتیب لازم است که به انگیزه در مرحله دادرسی و تعیین جرم و مجازات توجه بیشتری شود تا مجازات متناسب با شخصیت واقعی آنان باشد. (حاجی ده آبادی، پیشین) مساله ی قابل توجه آن است که عمد را نباید با انگیزه و غرض (داعی) اشتباه نمود. انگیزه عبارت است از کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می نماید؛ بنابراین همیشه مقدم بر اراده است. قصد مجرمانه حاکمی از اراده ی ارتكاب فعل یا ترک آن و همین طور اراده در کسب نتیجه ی زاییده ذهن قانون گذار است. بنابراین قصد مجرمانه اعم از عام و خاص را باید در قانون جزا جستجو کرد و لذا در هر جرمی، مفهومی واحد یا ثابت دارد؛ مثلاً سوء نیت عام در کلیه ی قتل های عمدی از هاق نفس است ولی انگیزه یا داعی احساس یا نفع یا دفع ضرری است که بزهکار را به طرف ارتكاب جرم می کشاند. انگیزه، زاییده ذهن مجرم است؛ پس انگیزه را که اغلب به صورت خودآگاه می باشد باید درون مجرم جستجو کرد. هیچ انسان عاقلی بدون هدف خاص و بدون انگیزه و غرض معین، به

ارتکاب هیچ عملی، خاصه ارتکاب جرم مبادرت نمی‌نماید. انسان در ارتکاب جرم انگیزه‌ی خاص و مشخصی دارد. انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، نیز انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد. گاه ممکن است انگیزه، نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی غرور باشد. گاهی نیز ممکن است که این انگیزه‌ها ناشی از احساسات انسانی و بشر دوستانه باشد. به اعتقاد انریکوفری و دیگر پیشگامان این مکتب عمد اراده‌ی است که تحت تأثیر انگیزه یا داعی بزهکار شکل می‌گیرد.^۱

۱۰- نتیجه گیری

باید در نظر داشت مسئولیت کیفری و استحقاق تحمل مجازات، بر مبنای سوء نیت و قصد مجرمانه و در واقع، غلظت عنصر روانی تعیین می‌گردد؛ از سویی، عنصر روانی به معنای دقیق کلمه چیزی نیست مگر فعل و انفعالات ذهنی مرتکب و تعلق آگاهانه اراده او به ارتکاب رفتاری معارض با ارزشهای کیفری اجتماع که البته، با توجه به اصل بنیادین قانونی بودن امر جزایی، باید از پیش تقنین شده باشند. تحقق عنصر روانی در جرم مادی صرف منحصر و موقوف به تحقق اراده ارتکاب بوده و برای مجازات مرتکب آن کافی است که وی میل و اراده خود را برای انجام عمل مجرمانه به کار گیرد و آن را اجرا کند در حقوق جزا “قصد مجرمانه” را به میل و خواستن قطعی به انجام یا ترک عملی می‌دانند که قانون آن را نهی کرده است و در موارد مختلفی از قانون مجازات قصد مجرمانه شمول پیدا می‌کند. اینجاست که انگیزه مجرمانه معیاری برای تحقق مسئولیت می‌گردد در چنین تعبیری منظور از مسئولیت کیفری، آثار و نتایجی است که متوجه خود شخص خطاکار از انجام عمل مجرمانه می‌شود. بنابراین مجرمانی که از قدرت فهم و درک برخوردار هستند و به سن بلوغ رسیده‌اند، دارای مسئولیت کیفری می‌باشند. مطابق با قانون می‌توان گفت که هدف از انجام مسئولیت کیفری و شرایط اعمال آن برای افراد جامعه، در نظر گرفتن مجازات برای مجرمان است. اینجا همان معادل بودن در تکمیل رویکردهای متشکله عنصر روانی در جرم است که می‌توان معادل رویکرد ارادی بر انجام جرم دانست اراده در لغت عبارت است از خواستن، طلب کردن، قصد و آهنگ و عزم تعبیر شده است. باید توجه داشت که در کلیه جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی اراده ارتکاب جرم وجود دارد و قانون‌گذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند. بنابراین حتی در صدمات بدنی ناشی از حوادث رانندگی و مستی نیز شخص مرتکب واجد اراده بوده و با وجود همین اراده است که راننده اتومبیل را به راه‌انداخته است. در رابطه با سوء نیت و انگیزه دو طرز تفکر ارائه شده است: اولاً؛ دانشمندان مکتب کلاسیک، معتقدند که انگیزه نباید تأثیری در زوال

مسئولیت داشته باشد و آنان عقیده دارند آنچه در تحقق جرم واجد اهمیت است همان عمد و اراده مجرمانه است. و در واقع در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب است. ثانیاً: طرفداران مکتب تحقیقی معتقدند آن چه برای جامعه و نظم آن خطر دارد همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی، و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت است، لذا منطقاً نباید در تحقق جرم از آن چشم پوشید. انگیزه که گاه از آن به عنوان غرض یا هدف خاص ارتكاب جرم یاد می‌شود نقش موتور محرکه رفتار مجرمانه را اجرا می‌کند براساس نتایج حاصل از تحقیق، در حقوق جزا، اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع و میزان مجازات هیچ تاثیری ندارد و این به دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است. اما براین اصل، استثنایاتی وارد است. کثرت اندیشه‌های فردگرایانه اخیر، خواه ناخواه مقننین را به سوی تشریع و تقنین قوانین و مقرراتی منطبق با تفکرات نو و خواسته اجتماع هدایت نموده و سیاست جنایی را در طریقی که متضمن عنایت کامل به شخصیت مجرمین و البته بیشتر میل به هدف ذهنی مجازات، یعنی اجرای عدالت باشد، سوق داده است. انگیزه در جرائم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، نیز انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد. گاه ممکن است انگیزه، نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی غرور باشد. گاهی نیز ممکن است که این انگیزه‌ها ناشی از احساسات انسانی و بشر دوستانه باشد. اصولاً تفکیک شناسی انگیزه‌های مجرمانه در جرائم خاص و گسترش مطالعه و تحقیق در این حوزه می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات حقوق کیفری و جرم شناسی کمک شایان توجهی نماید.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- احدی، رضا، رستگار مهجن آبادی، محمدباقر، طغرانگار، حسن. (۱۳۹۹). بازکاوی عنصر روانی در جرائم با مسئولیت مطلق با تأکید بر جرائم علیه محیط زیست. پژوهش‌های حقوقی، ۱۹(۴۳).
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، تهران، چاپ هشتم، جلد اول، نشر انتشارات میزان.
- بهره مند، حمید. (۱۳۹۶). درجه بندی تعزیرات: از نوآوری تا بازاندیشی. مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۲).
- پورقهرمانی، بابک. (۱۳۹۷). از درجه بندی چهارگانه جرائم تا درجه بندی هشت گانه کیفرهای تعزیری؛ آسیب‌ها و خلأها. مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی)، ۹(۱۶).
- جعفری، فریدون. (۱۴۰۱). جایگاه رکن روانی و مسئولیت کیفری در تعریف جرم. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۹(۲۴).

- صلیبا جمیل، منوچهر صانعی دره‌بیدی (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، تهران، چاپ اول انتشارات حکمت.
- عمید، حسن (بی تا)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- قمری، مسعود و حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۹۷)، جایگاه انگیزه در میان عوامل تشکیل دهنده جرم، چاپ شده در مجموعه مقالات منتشر شده کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، ارومیه، <https://civilica.com/doc/824804>
- کاووسی، ابراهیم و پورقهرمانی، بابک، (۱۳۹۴)، عنصر روانی در جرائم غیرعمدی، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/503133>
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم.
- محسنی، فرید، انصاری، رضا. (۱۳۹۸). تأثیر متقابل مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۲ (۸۶).
- مرادی، سعید و صفری آق قلعه، حسین، (۱۳۹۸)، جایگاه انگیزه و سوء نیت خاص در جرائم، ششمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/913941>
- موسوی مجاب، سید درید، رفیع زاده، علی. (۱۳۹۴). دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴ (۱۳).
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، چاپ اول، نشر انتشارات جنگل.
- بلبللی، امیر حسین. (۱۴۰۰). تاملی در عنصر «قصد» در قوانین کیفری؛ سوءنیت خاص یا انگیزه؟. کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق. <https://sid.ir/paper/901381/fa> SID.
- جعفری، مجتبی. (۱۳۹۶). باز اندیشی در مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر. پژوهش حقوق کیفری، ۶ (۲۰).